



مرکز تحقیقات و بررسی های اقتصادی

# رابطه رشد پایه پولی و رشد اقتصادی در ایران

بهار ۱۳۹۴

## به نام خدا

دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی از مهم ترین وظایف دولت ها تلقی می شود که دستیابی به آن همراه و تسهیل گر تحقق سایر وظایف تعریف شده برای این نهاد نظیر تأمین امنیت و تحقق عدالت اجتماعی می باشد. بدون شک متناسب با اهداف ابزارهایی نیز در اختیار دولت ها قرار داده شده است که تحقق اهداف تعیین شده برای آنها را امکانپذیر می سازد. در بعد اقتصادی سیاست های پولی و مالی، مهم ترین ابزار دولت ها برای دستیابی به اهداف کلانی چون رشد اقتصادی و کنترل تورم می باشد.

توسعه طلبی و بهبود وضع اقتصادی کشور مهم ترین خواسته سیاست گذاران کشور در طول پنج برنامه اقتصادی بوده است و همواره اهداف بسیار جاه طلبانه ای برای رشد اقتصادی و کاهش تورم را به دنبال داشته است که هیچیک دست یافتنی نبوده است. در واقع مهم ترین ابزار سیاستگذاری در کشور بودجه های عمرانی، تسهیلات بانکی و کنترل نرخ ارز بوده که هر سه رشد پایه پولی بسیاری را موجب شده است.

رشد پایه پولی سیاستی است که در دوره های افزایش درآمدها نفتی، تشدید شده است. این سیاست غالباً با واردات بی رویه و آسیب های شدید به بنیان های تولید در کشور، اقتصاد کشور را به وضعیت مشابه بیماری هلندی مبتلا ساخته است. بر اساس ملاحظات نظری اولین نتیجه تزریق درآمدهای ارزی حاصل از صادرات مواد خام، تقویت پول ملی و رشد عرضه پول در درون نظام اقتصادی است که علاوه بر دامن زدن بر رشد مصرف در جامعه، با افزایش نسبت شاخص قیمت کالاهای غیرقابل مبادله به قابل مبادله در کنار ساختارهای غیربهبوده تولید، هزینه ثابت سرمایه و نیز هزینه ریالی تولید را افزایش می دهد و غیر رقابتی بودن محصول صنایع داخلی را تشدید می کند که همه این عوارض به عنوان آثار بروز بیماری هلندی در اقتصاد تلقی می شود.

طی سال های پیش از انقلاب، با وجود افزایش شدید درآمدهای حاصل از صدور نفت خام، به دلیل افزایش قیمت در هر دو بخش کالاهای قابل مبادله و کالاهای غیر قابل مبادله، شاخص قیمت های نسبی<sup>۱</sup> روند ملایمی را طی کرده است. زیرا به رغم رشد واردات، به دلیل محدودیت زیربناها اعم از بندر، راه، انبار، حمل و نقل و نظایر آنها، تورم جهانی نیز در بخش کالاهای قابل مبادله، افزایش چشمگیری داشته است. اما بررسی روند تغییرات درآمدهای نفتی و شاخص قیمت کالاهای

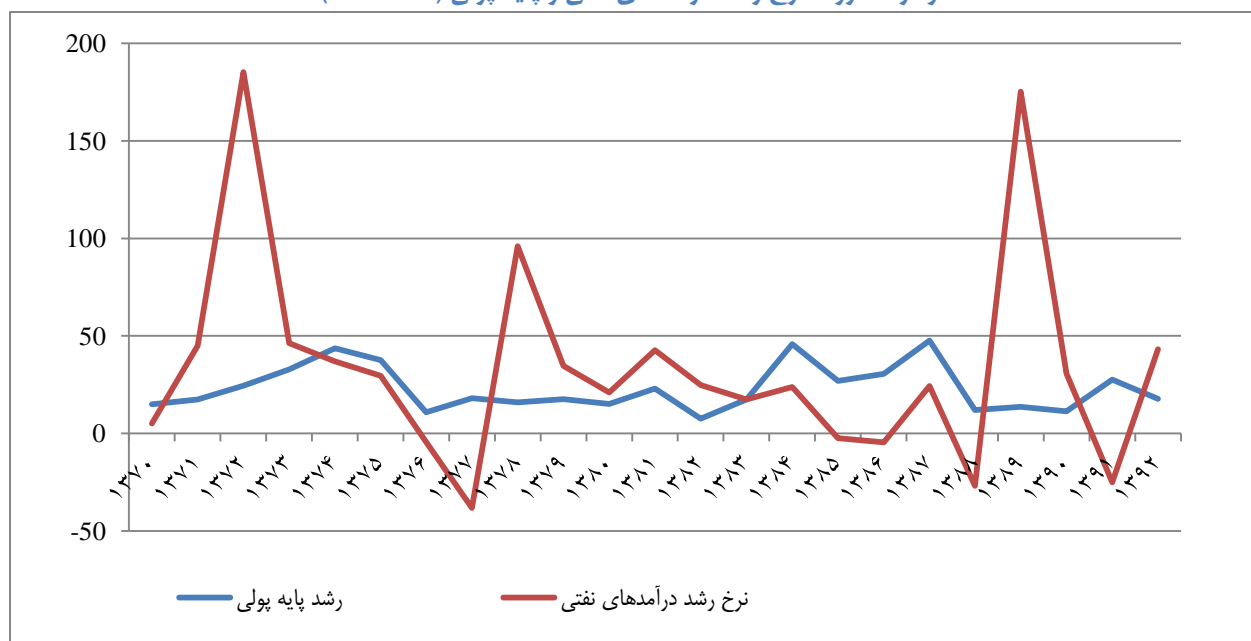
---

<sup>۱</sup> شاخص بیماری هلندی (DDI = Dutch Disease Index) که در آن شاخص قیمت کالاهای قابل مبادله بر شاخص قیمت کالاهای غیرقابل مبادله تقسیم می شود.

غیرقابل مبادله به قابل مبادله طی سال های پس از انقلاب، رشد این شاخص را نشان می دهد که در برخی سال ها شدت گرفته است.<sup>۲</sup>

نمودار زیر، روند نرخ رشد درآمدهای نفتی و رشد پایه پولی در کشور را برای سال های ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۲ نشان می دهد. همان طور که مشاهده می شود، پایه پولی در کشور همواره با رشد مثبت همراه بوده و نوسانات آن در اغلب موارد، نوسانات درآمدهای نفتی را همراهی نموده است. نکته جالب توجه اینکه در مواقعی که رشد درآمدهای نفتی منفی بوده است، پایه پولی همچنان از رشد مثبت برخوردار بوده است.

نمودار ۱- روند نرخ رشد درآمدهای نفتی و پایه پولی (۹۲-۱۳۷۰)



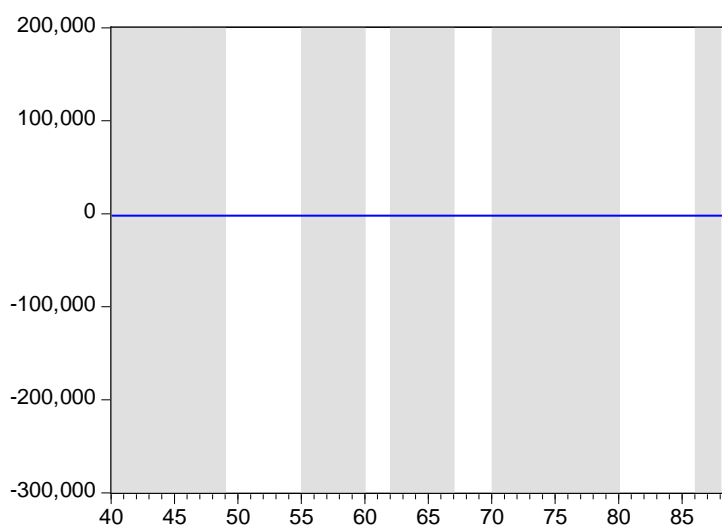
منبع: بانک مرکزی ج.ا.ا.

اما در اینجا سوالی مطرح می شود که اتخاذ سیاست های انبساطی در کشور بر چه اساسی صورت گرفته است؟ آیا ارتباطی بین رشد پایه پولی و رشد اقتصادی وجود دارد؟ آیا سیاست گذاران با هدف رشد اقتصادی، اقدام به رشد پایه پولی نموده اند و یا اهداف دیگری را دنبال نموده اند؟ آیا باور سیاست گذاران بر این بوده است که با تزریق درآمدهای نفتی از طریق رشد پایه پولی می توان بر تمام مشکلات ساختاری اقتصاد کشور غلبه نمود و بدون توجه به توان جذب این منابع به صرف افزایش نقدینگی، تحرک اقتصادی را موجب گردید یا آنکه به واقع سیاست های کوتاه مدت و به اصطلاح، پوپولیستی مد نظر آنان بوده است؟ آیا تزریق نقدینگی توانسته است بر مشکلات تأمین نقدینگی بنگاه ها فایق آید و یا آنکه خود به اهرمی برای افزایش تورم و فشار مضاعف بر توان تولیدی کشور تبدیل شده است؟

<sup>۲</sup> مقاله "بررسی آثار درآمدهای نفتی بر اقتصاد ایران"، فصلنامه پژوهش ها و سیاست های اقتصادی شماره ۳۰ و ۴۰

از منظر کلان و دیدگاه‌های کینزی و نیوکینزی، پول، خنثی نیست<sup>۳</sup> و سیاست‌های پولی اثر گذارند.<sup>۴</sup> به نظر می‌رسد که چنین دیدگاهی در میان سیاست‌گذاران کشور از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است به طوری که همواره سیاست‌های پولی انبساطی را چه در دوره رکود و چه در دوره رونق، رقم زده است. در حالی که سایر مکاتب اقتصادی نظیر پولیون و کلاسیک‌های جدید عقیده دارند پول در کوتاه مدت، قادر است بر متغیرهای حقیقی اثر گذار باشد اما در بلند مدت خنثی می‌باشد. مکتب کلاسیک نیز بالکل قایل به اثرگذاری پول نبوده و عقیده دارد که پول، تأثیرات خود را صرفاً در بخش اسمی اقتصاد تخلیه می‌کند.

نمودار ۲- ادوار تجاری در ایران با استفاده از فیلترینگ هودریک- پرسکات (سال پایه ۱۳۸۳)

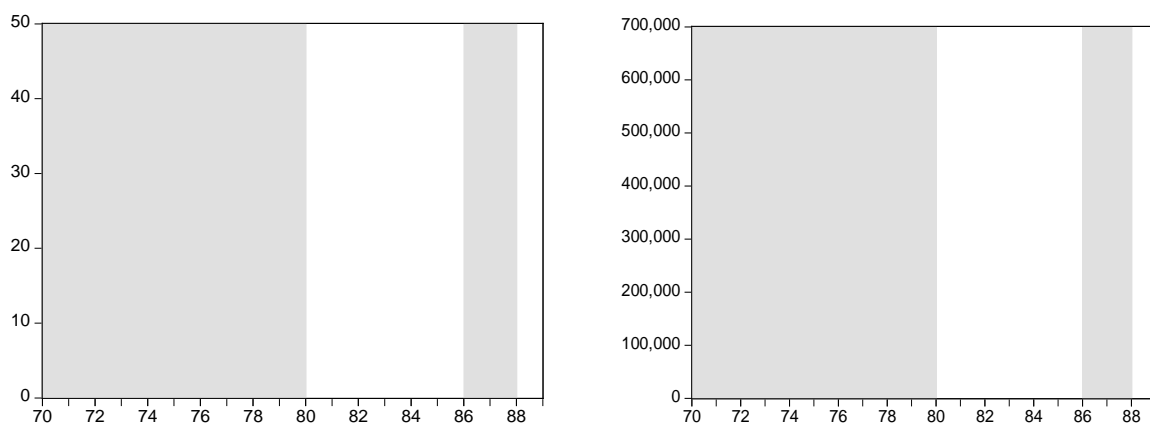


منبع: داده‌های بانک مرکزی ج.ا.ا، محاسبه مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران (قیمت ثابت سال ۱۳۸۳)  
رنگ خاکستری، دوره رکود و رنگ سفید، دوره‌های رونق اقتصادی را نشان می‌دهد.

<sup>۳</sup> فرضیه خنثی بودن ادعا دارد که تغییرات دائمی در سطح عرضه پول در بلندمدت هیچگونه تأثیری بر سطح متغیرهای واقعی ندارد.

<sup>۴</sup> Carl, Walsh (2003)

نمودار ۳- پایه پولی و دوره های رونق و رکود اقتصادی در ایران  
نمودار ۴- رشد پایه پولی و دوره های رونق و رکود اقتصادی در ایران



منبع: داده های بانک مرکز ج.ا.ا.

بر این اساس، نتایج اغلب مطالعاتی که تاکنون در خصوص بررسی اثرگذاری پول در ایران صورت گرفته، حاکی از آن است که سیاست های پولی در میان مدت و بلندمدت در ایران خنثی بوده است و تنها در مورد اثرگذاری کوتاه مدت آن اختلاف وجود دارد. به طوری که برخی پژوهش ها نشان داده اند که رشد پول در **کوتاه مدت** بر متغیرهای واقعی، اثرگذار است در حالی که برخی دیگر این فرضیه را رد کرده اند.

جدول ۱- مطالعات انجام گرفته در مورد رابطه سیاست های پولی و رشد اقتصادی

نویسندگان و سال انتشار	نام مقاله	داده ها و بازه مورد بررسی	روش مورد استفاده	نتایج
صمیمی و عرفانی (۱۳۸۳)	آزمون خنثی بودن و ابر خنثی بودن بلند مدت پول در اقتصاد ایران	داده های سری زمانی ۱۳۳۸-۱۳۸۱	روش فیشر و سیتز	پول در اقتصاد ایران خنثی است، ولی ابر خنثی بودن پول <sup>۵</sup> در اقتصاد ایران در دوره مورد بررسی را نمی توان پذیرفت.
منجذب (۱۳۸۵)	تحلیلی بر اثر بخشی گسترش حجم پول بر تولید و تورم در اقتصاد ایران	داده های فصلی ۱۳۳۹-۱۳۷۴	مدل های کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت کینزی	پول و گسترش آن در کوتاه مدت بر تولید واقعی تاثیر دارد، اما این متغیر در میان مدت و بلند مدت تاثیر خود را از دست می دهد.
جلالی نائینی و	سیاست پولی، انتظارات عقلایی تولید	۷۰-۱۳۴۰	مدل بارو	رشد حجم پول و نقدینگی در میان

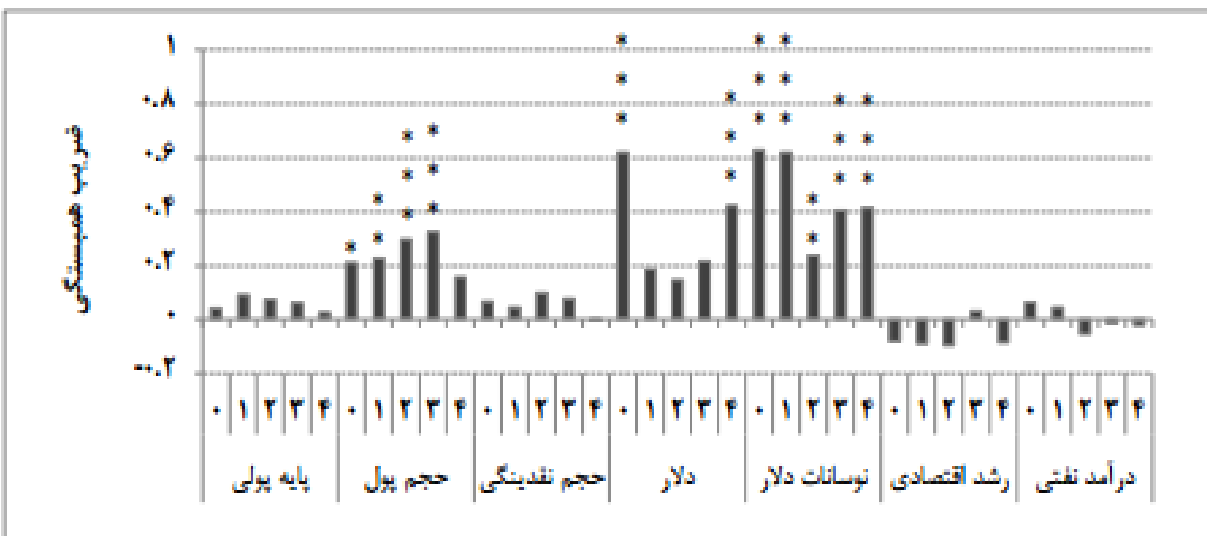
<sup>۵</sup> فرضیه ابرخنثی بودن پول بیان می کند که تغییرات دائمی در نرخ رشد عرضه پول در بلندمدت بر سطح متغیرهای واقعی اثرگذار نیست.

مدت و بلندمدت تأثیر قابل توجهی بر تولید ندارند.			و تورم	شیوا (۱۳۷۹)
سیاست های پولی قابل انتظار برخلاف فرضیه انتظارات عقلایی در کوتاه مدت بر متغیرهای واقعی اثرگذار است. سیاست های پولی غیر قابل انتظار، برخلاف نظریه انتظارات عقلایی بر متغیرهای واقعی اقتصاد اثر معکوس دارد.	مدل بارو	۶۹-۱۳۵۰	آثار رشد پولی قابل انتظار و غیرقابل انتظار، مطالعه موردی	ختایی و دانه کار (۱۳۷۹)
فرضیه خنثی بودن پول در ایران در بیشتر حالت‌هایی که طبق متدولوژی مورد بررسی قرار گرفته اند، تأیید می شود.	متدولوژی کینگ و واتسون	داده های فصلی ۸۴-۱۳۶۷	بررسی خنثی بودن و ابرخنثی بودن پول در اقتصاد ایران: مقایسه انباشته های پولی جمع ساده و دی ویسیا	شاهمرادی و ناصری (۱۳۸۸)

در تازه ترین مقاله‌ای که توسط پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی انتشار یافته است، همبستگی مثبت میان رشد پایه پولی و رشد اقتصادی حتی در کوتاه مدت رد شده است؛ به طوریکه همبستگی میان متغیرهای پایه پولی، حجم پول و حجم نقدینگی (که برای داده های فصلی از سال ۱۳۶۹ تا سال ۱۳۹۱ تا وقفه چهارم محاسبه شده است) با رشد اقتصادی ارتباط معنی داری را نشان نمی دهد. همچنین بین تورم و رشد اقتصادی نیز رابطه معنی‌داری مشاهده نمی گردد. بر اساس چارچوب منحنی های عرضه و تقاضای کل، اگر یک شوک مثبت (منفی) تقاضا نظیر سیاست پولی انبساطی (انقباضی)، به اقتصادی وارد شود مطابق با منحنی فیلیپس، انتظار بر آن است که با پذیرش تورم به رشد اقتصادی بالاتر دست یافت. بنابراین، شوک تقاضا رابطه مستقیم میان تورم و رشد ایجاد خواهد کرد. اما چنانچه یک شوک منفی (مثبت) عرضه نظیر کاهش (افزایش) بهره وری به اقتصاد وارد شود، انتظار بر این است که تورم رکودی رخ دهد و رابطه معکوس بین تورم و رشد اقتصادی برقرار گردد. همچنین ممکن است هم شوک های عرضه و هم شوک های تقاضا به صورت هم زمان به اقتصاد وارد شوند و برهمکنش آنها موجب شود تا رابطه ای میان تورم و رشد اقتصادی شکل نگیرد. عدم مشاهده این رابطه در نمودارهای زیر دیده می شود.<sup>۶</sup>

<sup>۶</sup> مقاله "تحلیل پویایی های تورم و رشد اقتصادی"، پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی، اسفند ۱۳۹۳

نمودار ۵- ضریب همبستگی تورم شاخص کل با متغیرهای اقتصادی اثرگذار و وقفه های آنها



منبع: مقاله "تحلیل پویایی های تورم و رشد اقتصادی"، پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی، اسفند ۱۳۹۳

علامت \*، \*\* و \*\*\* به ترتیب سطح معنا داری ۱۰، ۵ و ۱ درصد را نشان می دهد. نمودار ۲ نشان می دهد که جز قیمت دلار در زمان تغییر (وقفه صفر)، سایر متغیرها نظیر پایه پولی، حجم پول، حجم نقدینگی، قیمت دلار از وقفه اول به بعد، نوسانات دلار، تورم و درآمدهای نفتی، هیچیک در کوتاه مدت بر رشد اقتصادی کشور تأثیری نداشته اند (نمودار ۳).

نمودار ۶- ضریب همبستگی رشد اقتصادی با متغیرهای اقتصادی اثرگذار و وقفه های آنها

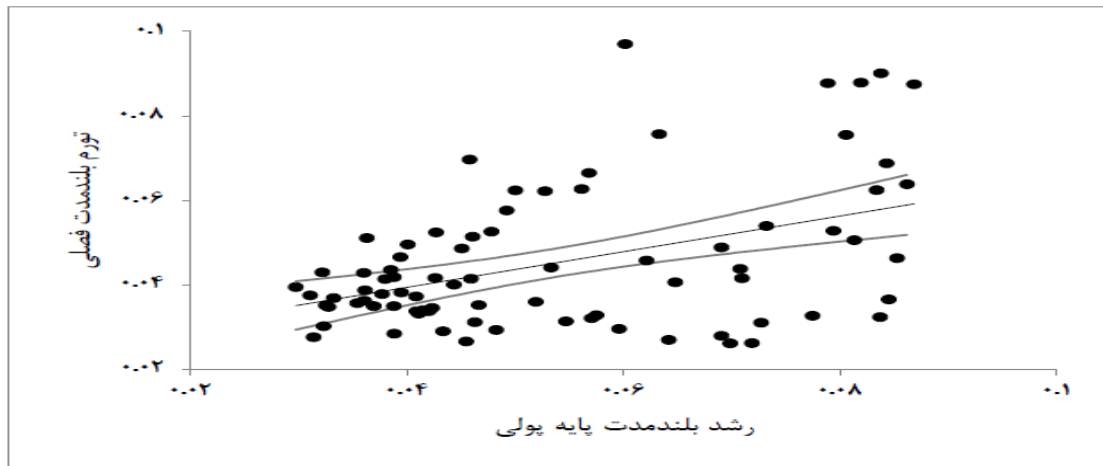


منبع: مقاله "تحلیل پویایی های تورم و رشد اقتصادی"، پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی، اسفند ۱۳۹۳

همچنین این مطالعه نشان می دهد که در بلند مدت رابطه مثبت و قوی میان تورم و رشد پایه پولی برقرار است (نمودار ۴). بنابراین رشد پایه پولی در بلند مدت به تورم منتهی می گردد. اما بررسی رابطه میان روند بلند مدت رشد پایه

پولی و رشد اقتصادی نشان می دهد که هیچ رابطه ای میان این دو متغیر در بلندمدت وجود ندارد. پس می توان نتیجه گرفت که اگر سرعت گردش پول در بلندمدت ثابت باشد و تئوری مقداری پول نیز برقرار باشد، افزایش پایه پولی در بلندمدت محصولی جز تورم نخواهد داشت و نخواهد توانست منجر به رشد اقتصادی گردد.

نمودار ۷- نمودار پراکنش روند بلند مدت تورم و رشد پایه پولی

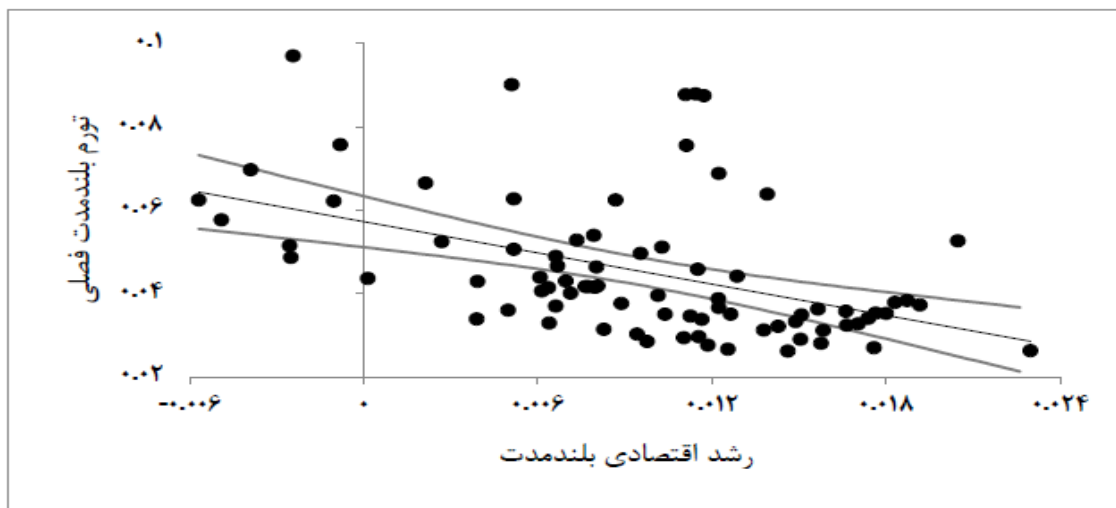


منبع: مقاله "تحلیل پویایی های تورم و رشد اقتصادی"، پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی، اسفند ۱۳۹۳

بر اساس نتایج این مطالعه، در بلندمدت، رابطه ای منفی میان رشد اقتصادی و تورم در ایران وجود دارد (نمودار ۵). افزایش تورم در بلندمدت می تواند از یک سو سبب کاهش انگیزه های سرمایه گذاری و تولید شود و از سوی دیگر با کاهش دستمزد حقیقی به کاهش عرضه نیروی کار و در نهایت، کاهش رشد اقتصادی منجر گردد. از سوی دیگر تعبیر رابطه منفی میان این دو متغیر می تواند به این شکل باشد که در بلندمدت، شوک های منفی عرضه که به طور مستمر اقتصاد را تحت تأثیر قرار داده است باعث کاهش رشد اقتصادی شده و از طریق کوچک شدن کیک اقتصاد به افزایش تورم در بلند مدت دامن زده است.



## نمودار ۸- نمودار پراکنش روند بلند مدت تورم و رشد اقتصادی

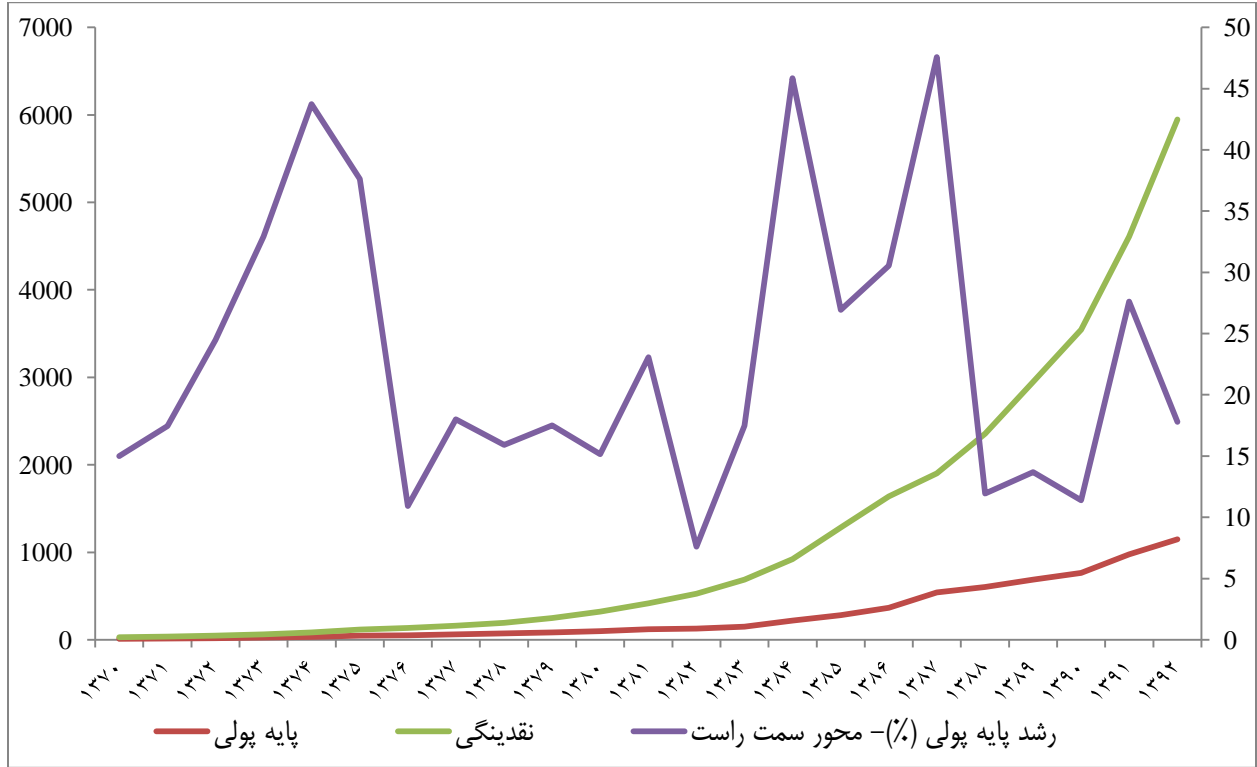


منبع: مقاله "تحلیل پویایی های تورم و رشد اقتصادی"، پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی، اسفند ۱۳۹۳

همان طور که مشاهده شد، سیاست های پولی انبساطی در کشور قادر نبوده اند موجبات رشد اقتصادی را فراهم سازند اما با این وجود، سیاست غالب کشور در سال های اخیر بوده اند. به عبارت دیگر سیاست گذاران صرفنظر از وقوع چرخه های تجاری در ایران و آثار و پیامدهای سیاست پولی بر شئون مختلف اقتصادی، همواره سیاست های انبساطی را دنبال کرده اند. بررسی پایه پولی و نرخ رشد آن از سال ۱۳۷۰ تاکنون حاکی از آن است که نرخ رشد پایه پولی بین ۷٫۶ درصد در سال ۱۳۸۲ تا ۴۷٫۶ درصد در سال ۱۳۸۷ تغییر کرده است. اما این حجم بالای نقدینگی که در پایان سال ۱۳۹۲ حدود ۶٫۵ برابر میزان نقدینگی در سال ۱۳۸۴ بوده<sup>۷</sup>، نتوانسته است پاسخگوی نیاز نقدینگی بنگاه های اقتصادی کشور باشد. بنابراین آنچه مشاهده می شود مازاد نقدینگی در سطح کلان و کمبود آن در سطح خرد می باشد که از آن به عنوان معمای نقدینگی یاد می شود.

<sup>۷</sup> در همین بازه پایه پولی کشور ۵٫۲ برابر شده است.

نمودار ۹- نقدینگی، پایه پولی و رشد پایه پولی (۹۲-۱۳۷۰)



منبع: بانک مرکزی ج.ا.ا.

ناکارایی نظام تأمین مالی کشور که گاهی به نادرست از آن با عبارت کمبود نقدینگی یاد می‌شود، یکی از مهم‌ترین چالش‌های بنگاه‌های اقتصادی کشور بویژه در سال‌های اخیر بوده است. گزارش‌ها و نظرسنجی‌های داخلی و خارجی به طرق گوناگون، این مسأله را منعکس ساخته‌اند و فعالان اقتصادی از طریق تریبون‌های مختلفی که در اختیار داشته‌اند، این مشکل را به گوش مسئولان رسانده‌اند. به نظر می‌رسد که سیاست‌گذاران و مسئولان کشور نیز به وجود این مشکل پی برده‌اند و در موقعیت‌های نیز بدان اذعان داشته‌اند.

جدول ۲- مشکلات اصلی کسب و کار در ایران از نظر فعالان بخش خصوصی، گزارش رقابت‌پذیری جهانی

سال	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴
مشکلات	۱	دسترسی به منابع تامین مالی	دسترسی به منابع تامین مالی	بی ثباتی سیاست‌ها	دسترسی به منابع تامین مالی
	۲	بی ثباتی سیاست‌ها	بی ثباتی سیاست‌ها	مقررات ارزی	بی ثباتی سیاست‌ها
	۳	تورم	تورم	تورم	دسترسی به منابع مالی

Source: World Economic Forum, The Global Competitiveness Report

به طور مثال در گزارش رقابت پذیری جهانی<sup>۸</sup> که یکی از گزارشات معتبر جهانی می باشد، بخشی گنجانده شده که بیشترین عوامل مشکل زای فعالیت های اقتصادی را به ترتیب اهمیت فهرست کرده است. از سال ۲۰۱۰ که اطلاعات ایران در این گزارش، منعکس شده، همه ساله (جز سال ۲۰۱۳) عمده ترین مشکل فعالان اقتصادی، **دسترسی به منابع تامین مالی** عنوان شده است (جدول ۲).

گزارش های پایش محیط کسب و کار گروه مطالعات کسب و کار مرکز پژوهش های مجلس نیز که از آذرماه سال ۱۳۸۸ با هدف ارائه دیدگاه های تشکل های تولیدی و توقعاتشان از قوه مقننه تهیه می گردد، وجود این مشکل را تأیید می کند. تهیه این گزارش ها بر اساس این رویکرد، آغاز گردید که اقتضائات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کشورهای مختلف در گزارش های جهانی، مدنظر قرار نمی گیرد. اما درخور توجه اینکه، در نهایت یافته های آنها نیز نتایج به دست آمده از گزارش های جهانی را تأیید نمود و تقریباً در اغلب موارد، مشکل دریافت تسهیلات از بانک ها در صدر مشکلات فعالان اقتصادی قرار گرفته است (جدول ۳).

**جدول ۳ - مهم ترین مشکلات فعالان اقتصادی بر اساس گزارش پایش محیط کسب و کار مرکز پژوهش های مجلس**

سال	تابستان ۹۰	تابستان ۹۱	تابستان ۹۲	بهار ۹۳	تابستان ۹۳
<b>مشکلات</b>	<b>مشکل دریافت تسهیلات از بانک</b>	بی ثباتی در قیمت مواد اولیه	<b>مشکل دریافت تسهیلات از بانک</b>	<b>مشکل دریافت تسهیلات از بانک</b>	<b>مشکل دریافت تسهیلات از بانک</b>
	بی ثباتی در قیمت مواد اولیه	مشکل دریافت تسهیلات از بانک	بی ثباتی در قیمت مواد اولیه	ضعف بازار سرمایه در تامین مالی تولید و نرخ بالای تامین سرمایه از بازار غیررسمی	ضعف بازار سرمایه در تامین مالی تولید و نرخ بالای تامین سرمایه از بازار غیررسمی
	ضعف بازار سرمایه در تامین مالی تولید و نرخ بالای تامین سرمایه از بازار غیررسمی	اعمال تحریم های بین المللی علیه ایران	اعمال تحریم های بین المللی علیه ایران	وجود مفاسد اقتصادی در دستگاه های حکومتی	نرخ بالای بیمه اجباری نیروی انسانی
<b>منبع:</b> مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، گزارش پایش محیط کسب و کار ایران در تابستان ۱۳۹۳					

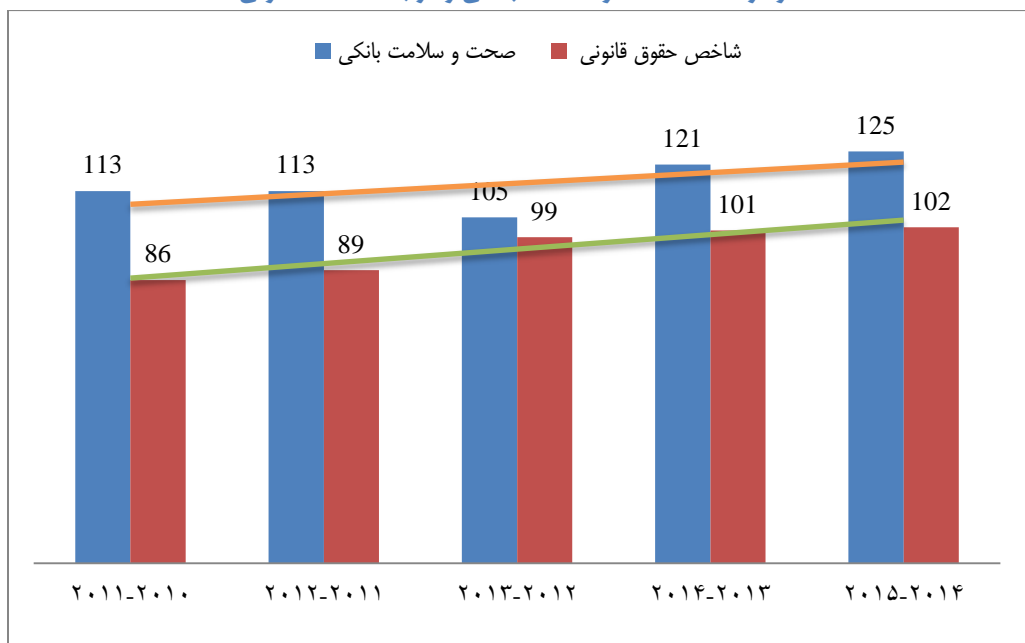
شاید ساده ترین راه حل در برخورد با این مشکل که اغلب از جانب فعالان اقتصادی نیز مورد حمایت و حتی توصیه قرار گرفته است، اتخاذ سیاست های انبساطی از طریق رشد پایه پولی بوده است. سیاست گذاران چه به دلیل نگرانی بابت رفاه مردم و چه با اهداف پوپولیستی، همواره توسعه طلبی را با اهداف جاه طلبانه دنبال کرده اند و این امر موجبات رشد پایه پولی

<sup>8</sup> World competitiveness report

را فراهم آورده است. نکته جالب اینکه هم‌راستایی خواسته‌های مردم با این قبیل اقدامات، سیاست گذاران را در اتخاذ آنها مصرتر ساخته است. اما آنچه عملاً اتفاق افتاده است وفور نقدینگی در سطح کلان و مشکلات تأمین نقدینگی بنگاه‌های تولیدی می‌باشد که ریشه‌های آن را نباید در کمبود نقدینگی در سطح کلان که باید در عدم کارایی بخش واسطه‌گری مالی در سطح خرد جستجو نمود. این بخش، وظیفه تأمین مالی پروژه‌ها، تدارک سرمایه در گردش، ارائه خدمات پرداخت، تجهیز منابع، تخصیص وجوه و منابع، مدیریت ریسک و به‌طور کلی واسطه‌گری منابع مالی و پولی را در اقتصاد ملی بر عهده دارد.

عدم وجود سلامت در نظام بانکی کشور یکی از مهم‌ترین دلایل عدم موفقیت نظام تأمین مالی در ایجاد سیستمی کارآمد برای گردش سالم مالی بوده است که کوچک بودن بازار سرمایه و عدم مشارکت آن در تأمین مالی بنگاه‌های اقتصادی و محدودیت فعالان اقتصادی در اخذ تسهیلات، بر شدت اثرگذاری آن افزوده است. بر اساس ارزیابی فعالان اقتصادی در گزارش رقابت پذیری جهانی، از سال ۲۰۱۰ تا کنون، سیستم بانکی کشور روندی نزولی را به لحاظ سلامت نظام بانکی طی کرده و ظرف ۵ سال از رتبه ۱۱۳ در میان ۱۳۹ کشور جهان به رتبه ۱۲۵ از میان ۱۴۴ کشور جهان رسیده است (نمودار ۱۰).

نمودار ۱۰- صحت و سلامت بانکی و درجه حفاظت قانونی



منبع: گزارش رقابت پذیری جهانی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴

شاخص حقوق قانونی، متغیر دیگری است که گزارش رقابت پذیری آن را از گزارش بهبود فضای کسب و کار بانک جهانی استخراج نموده است. قوانین مربوط به ورشکستگی و وثیقه به‌منظور حمایت از وام‌گیرندگان و وام‌دهندگان و تسهیل فرآیند اعطای وام موضوعی است که در این شاخص مورد بررسی قرار می‌گیرد و نشان می‌دهد ایران با افزایش رتبه از ۸۶

به ۱۰۲، ظرف مدت ۵ سال، روند نزولی در فراهم ساختن زیرساخت های قانونی حفاظت از حقوق وام دهندگان و وام گیرندگان را طی کرده است.

واقعیت این است که در کشور، مردم و سیاست‌گذاران در تصمیمات خود به این حقایق، توجهی نشان نداده‌اند؛ سیاست‌گذاران همواره طی پنج برنامه توسعه، اهداف بسیار جاه طلبانه‌ای برای رشد اقتصادی در نظر گرفته‌اند که هیچ‌یک از آنها محقق نشده است. سیاست‌های انبساطی که برای پاسخگویی به این جاه‌طلبی‌ها در پیش گرفته شده نیز تنها منجر به ایجاد تورم و فاصله گرفتن عملکرد تورم از اهداف آن در برنامه‌های توسعه شده است. از طرف دیگر مردم نیز به دلیل تنگناها و مشکلات اقتصادی، انتشار پول پر قدرت را چاره‌ای بر حل مشکلات خود دانسته‌اند. حتی در مواقعی که سیاست‌گذاران نیز از سیاست‌های انبساطی، احتراز کرده‌اند، با فشارها و انتقادات فعالان اقتصادی مواجه شده‌اند.

## جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در سال‌هایی که سیاست‌های پولی کلان کشور مورد بررسی قرار گرفته است (۹۲-۱۳۷۰)، پایه پولی همواره رشد مثبت داشته است. این سیاست‌های انبساطی صرفنظر از وقوع چرخه‌های تجاری و آثار و پیامدهای سیاست‌های انبساطی بر شئون مختلف اقتصادی کشور، اتخاذ شده است. همچنین، بررسی‌ها نشان داده است که با نوسان درآمدهای نفتی، رشد پایه پولی، دچار نوسان شده اما به هنگام کاهش درآمدهای نفتی، پایه پولی همچنان رشدی مثبت داشته است. سوال اینجاست که این سیاست‌ها با چه هدفی دنبال شده است؟ آیا به دنبال رشد اقتصادی بوده است یا اینکه صرفاً اهداف پوپولیستی را مدنظر قرار داده است؟ آیا اتخاذ چنین سیاستی قادر به پاسخگویی عمده‌ترین نیاز فعالین اقتصادی کشور که تأمین مالی می‌باشد بوده است؟

مطالعات انجام گرفته در سطح جهانی اغلب نظریه خنثی بودن پول در میان‌مدت و بلندمدت را تأیید می‌کنند. بر این اساس مطالعات متعددی در ایران انجام گرفته است که غالباً یافته‌های آنها منطبق بر یافته‌های مطالعات جهانی بوده است. در کوتاه‌مدت نیز برخی مطالعات بی‌اثر بودن پول و برخی دیگر اثر گذاری پول بر متغیرهای واقعی اقتصاد را نشان داده‌اند. تازه‌ترین مطالعات انجام گرفته در پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی حاکی از آن است که در کوتاه مدت جز قیمت دلار در زمان تغییر (وقفه صفر)، سایر متغیرها نظیر پایه پولی، حجم پول، حجم نقدینگی، قیمت دلار از وقفه اول به بعد، نوسانات دلار، تورم و درآمدهای نفتی، هیچ‌یک در کوتاه مدت بر رشد اقتصادی کشور تأثیری نداشته‌اند. همچنین بررسی روابط بلند مدت نشان می‌دهد که رابطه مثبت و قوی میان تورم و رشد پایه پولی برقرار است و رشد پایه پولی در بلند مدت به تورم منتهی می‌گردد. نکته قابل توجه اینکه، بررسی رابطه روند بلند مدت رشد پایه پولی و رشد اقتصادی، حاکی از این است که هیچ رابطه‌ای میان این دو متغیر اقتصادی، وجود ندارد.

نتیجه آنکه مانند سایر کشورها در ایران نیز، رشد پایه پولی موجب رشد اقتصادی نمی شود اما اهداف جاه طلبانه رشد اقتصادی موجب رشد پایه پولی می شود. پول بیرونی نیز نمی تواند هیچ بلوغی در سیستم بانکی ایجاد کند و فقط بسط پایه پولی و تورم را موجب می شود. مثال عینی این امر مشکلی است که امروزه از آن به عنوان معمای نقدینگی یاد می شود و حاکی از آن است که علی‌رغم وفور نقدینگی در سطح کلان، کمبود شدید آن از جانب بنگاه‌ها و فعالان اقتصادی، احساس می شود. آنچه در شرایط رکود تورمی که در حال حاضر در آن به سر می بریم اهمیت دارد، پرهیز از سیاست‌هایی است که هیچ‌یک از تجربیات گذشته و مشاهدات علمی، آنها را مورد تأیید قرار نمی‌دهند. لذا همانگونه که مطالعات نشان می‌دهند، افزایش پایه پولی و نقدینگی توان اثرگذاری بر متغیرهای حقیقی اقتصاد را نخواهند داشت و بنابراین سیاست‌های انبساطی پولی با هدف خروج از رکود، توانایی ایفای چنین وظیفه‌ای را ندارد. از طرف دیگر مشاهدات حاکی از آن است که علی‌رغم افزایش نقدینگی، بنگاه‌های کشور همچنان با مشکل تأمین مالی مواجه هستند لذا راه حل این مشکل را نه در کانال افزایش هر چه بیشتر عرضه پول که در کانال‌های انتقال و توزیع پول باید جستجو نمود.

طی پنج برنامه توسعه‌ای کشور، همواره اهداف بسیار جاه طلبانه‌ای برای رشد اقتصادی در نظر گرفته شده که هیچ‌یک از آنها محقق نگردیده و بدنه دیوانسالاری را همواره بدهکار، جلوه داده است. چراکه دولت بایستی به ارقامی از رشد اقتصادی یا تورم دست می‌یافته که با ساختارهای نهادی کنونی و ابزارها و اختیارات فعلی، دست‌یافتنی نبوده است. به عبارت دیگر هر ساختار نهادی، قادر به پشتیبانی حداکثری از نرخ رشد اقتصادی خواهد بود. به طور مثال ساختار فعلی کشور نرخ رشد حداکثر ۴ درصدی را در بلندمدت پشتیبانی خواهد نمود و برای دستیابی به نرخ بالاتر طبعاً بایستی انحصارات داخلی از بین برود و شفافیت و رقابت ایجاد شود. همچنین نرخ رشد اقتصادی بالای ۶ درصد مستلزم ایجاد تعامل و رابطه پایداری با سایر کشورهای جهان می‌باشد.

در حال حاضر بیش از ۴ میلیون دانشجو در کشور وجود دارد که تولید ناخالص داخلی فعلی، به هیچ وجه توان جذب این تعداد دانشجو را ندارد؛ افرادی که مهارت‌های شغلی را فرا نگرفته‌اند و حاضر به انجام کارهای سطح پایین هم نیستند. بنابراین کشور نه فقط به رشد اقتصادی بلکه به تغییر ساختار تولید نیز نیازمند است. ذهنیتی که باید در کشور اصلاح شود آن است که بسیاری از مسایل کنونی ناشی از سوء تدبیرهایی بوده است که تحریم بر سرعت اثر آنها افزوده است. نحوه خصوصی‌سازی و تخصیص سهام عدالت، اصلاح قیمت انرژی که به یک پروژه کاملاً اجتماعی تبدیل شده است، ساختار مالی غیر شفاف دولت، سرکوب مالی، تثبیت نرخ ارز و تبدیل نظام بانکی کشور به یک نظام بروکراتیک اتفاقاتی است که همگی مستقل از تحریم رخ داده است. نتیجه آنکه دسترسی به رشد پایدار اقتصادی جز در سایه اصلاح ساختاری اقتصاد امکان‌پذیر نخواهد بود و مقررات زدایی و اصلاح نظام تعرفه از بعد قانون‌گذاری، اصلاح نظام قیمت‌گذاری دولتی، خصوصی‌سازی، کاهش دیوان‌سالاری و کارآمدسازی آن از بعد اجرایی و در نهایت، مبارزه با فساد از بعد قضایی، کلید راهگشای این امر خواهد بود.